

غدیریه: زیباشناخت هویت شیعی

غدیریه‌های فارسی، بیش و پیش از آنکه به سنت نعت و مدح در شعر ایران وابسته باشند به سیره صاحبان ولایت در مذهب شیعه اتکا دارند.



همشهری انلاین - سیداحمد نادمی: غدیریه‌های فارسی، بیش و پیش از آنکه به سنت نعت و مدح در شعر ایران وابسته باشند به سیره صاحبان ولایت در مذهب شیعه اتکا دارند.

ذکر و یاد داشت واقعه‌ای که در هجدهم ذیحجه سال دهم هجری سرنوشت دین اسلام را روشن کرد در ماثورات ائمه هدی و اوصیاء رسول الله (که درود خداوند بر ایشان) از چنان تواتری بهره می‌برد که مؤمنان به شریعت علوی، خود را مکلف به تداوم این یادآوری می‌دانند. هم بر این راه است که غدیریه‌های ادبی از نشانه‌ای که حضرت رحمت‌للعالمین را (که صلوات خداوند بر اوست) به «؛ابلاغ» آنچه دین خداوند را کامل می‌کند و نعمت او را به تمامت می‌رساند (آیات سوم و شصت و هفتم سوره مبارکه مائده) پیروی می‌کنند و «؛بلاغت» غدیر را بر آهنگ کلمات می‌نشانند. شاعران شیعی گواه خود را از سیره نبوی گرفته‌اند. آمده است که شاعر حضرت رسول (که صلوات خداوند بر اوست)، «؛حسان بن ثابت» آنگاه که در نخستین غدیریه سرود:

«؛وینادیهم یوم الغدیر نبیهم بخم و اسمع بالرسول منادیا..»
(در وادی خم در روز غدیر نبی ایشان ندایشان فرمود و گوش دار به ندای رسول..) حضرت ختمی مرتبت (که صلوات خداوند بر اوست) به دعا او را نواخت که
«؛یا حسان! لا تزال مویدا بروح القدس ما نصرتنا بلسانک»
(ای حسان! تأیید روح القدس فرو نکاهد به آنچه با کلامت به یاری ما آمدی)
در ادب فارسی، مرسوم بوده است که حضرت مولی‌الموحدین، علی‌بن‌ابی‌طالب (که درود خداوند و رسول او بر اوست)، از آنجا که در هر حال خلیفه‌الرسول است ستوده شود.

این رسم را شاعر در اثنای قصیده، غزل یا مثنوی‌اش به جا می‌آورد. چنان که خاقانی شروانی در ختم‌الغرائب، مثنوی تحفه‌العراقین، در ستایش روضه مرتضی می‌سراید:
«؛افلاک فرود رفعت اوست
و ایام غلام شیعت اوست»
یا عطار نیشابوری در منطق‌الطیر:
«؛چون علی از غیب‌های حق یکی ست
عقل را در بینش او کی شکی ست
هم ز اقصیکم علی جان آگه ست
هم علی ممسوس فی ذات‌الله ست»
یا سنایی غزنوی در قصیده‌ای مشهور:
«؛بحر پر کشتی است لیکن جمله در گرداب خوف
بی سفینه‌ی نوح نتوان چشم معبر داشتن
من سلامتخانه نوح نبی بنمایمت
تا توانی خویشتن را ایمن از شر داشتن
شو مدینه‌ی علم را در جوی و پس در وی خرام
تا کی آخر خویشتن چون حلقه بر در داشتن
چون همی دانی که شهر علم را حیدر دراست
خوب نبود جز که حیدر میر و مهتر داشتن»
اما شاعر شیعی از وصف فضایل

حضرت امیر فراتر می‌رود. او که هویت خود را در غدیر یافته است از عهده می‌گوید که محترم نماند؛ تبعیدی یمگان، حکیم ناصر خسرو قبادیانی که از شکستن این عهد زنه‌ار می‌دهد
بیاویزد آن کس به غدر خدای
که بگریزد از عهد روز غدیر

خود را با این واقعه تعریف می‌کند. در قصیده‌ای با مطلع:

اگر بر تن خویش سالار و میرم
ملاحت همی چون کنی خیرخیرم؟

بیت به بیت از عزت نفس خود می‌گوید و بر غنای دانش خویش فخر می‌فروشد تا بدانجا که ندانم جزین عیب مر خویشتن را
که بر عهد معروف روز غدیرم
بدانست فخرم که جهال امت
بدانند دشمن قلیل و کثیرم
وزان گشت تیره دل مرد نادان
کزو بست روشن به جان در ضمیرم
ازیرا نظیرم همی کس نیابد
که بر راه آن رهبر بی‌نظیرم

این قصیده را می‌توان شناسنامه یک شاعر شیعی تلقی کرد. «ستایش دانش»، «خواهش عدالت با لحنی ستیهنده» و «اداره کلمات» شکل‌دهنده این شعر هستند؛ عناصری که در فهم شعرهای دیگر ناصر خسرو نیز ما را یاری می‌دهند. اگرچه شاعران شیعی دیگری چون کسایی مروزی فضل تقدم دارند اما به زعم من، نخستین غدیریه‌های حقیقی شعر فارسی را باید در شعرهای ناصر خسرو جست زیرا فخامت و توان شعری حکیم قبادیانی برتری غیرقابل انکاری بر همتایان خود دارد. بنایی که شعر ناصر خسرو بنیان می‌نهد پناهگاه مطمئنی برای شاعران شیعه پس از اوست که «بلاغت» غدیر را پردازش دیگری کنند. با تشکیل حکومت صفوی و رسمیت یافتن شیعه در جامعه ایرانی، روز غدیر به یکی از اعیاد مهم دینی (در کنار عید فطر و عید اضحی) تبدیل شد. تأثیر مستقیم جشن گرفتن روز غدیر بر شعر فارسی، تثبیت شعری شادمانه و مجلسی از جنس شعری که برای عید رمضان و عید اضحی است زیر نام «غدیریه» شد؛ شعری که از ظرفیت‌های نمادپردازانه حادثه غدیر برای تطبیق با سنت شادمانه‌سرایی شعر فارسی استفاده‌ای به کمال داشت و ساختار خود را از استادان طرز خراسانی می‌گرفت و بیان خود را از استادان طرز عراقی. غدیریه‌های فراوانی را می‌توان سراغ گرفت که «تشبیب» آنها (اگرچه در قالب‌هایی سوای قصیده، یعنی مثنوی یا مسمط ساخته شده باشند) اغلب با جابه‌جایی دستوری ترکیب «غدیر خم» و رسیدن به ترکیب «خم غدیر» و انتقال معنایی «خم» از «مکانی در حوالی جحفه» به «خم‌ره باده» و تصویرپردازی مبتنی بر این بازی زبانی ساخته می‌شد (و می‌شود). «قصه» این شعرها نیز یادآوری ماجرای هجدهم ذیحجه سال دهم هجری است که در پی‌اش به مدح حضرت امیر (که درود خداوند و پیامبرش بر اوست) ختم می‌شود. برای نمونه، این غدیریه عمان سامانی:

بریخت صاف و نشاط از خم غدیر به جام
صلای سرخوشی‌ای صوفیان درد آشام
همین همایون روز است آنکه ختم رسل
محمدعربی، شاه دین، رسول انام
فرو کشید ز بیت‌الحرام رخت برون
به اتفاق کرام عرب پس از احرام
طواف خانه حق کرده کآدمی و ملک
یسبحون له ذوالجلال والاکرام
ز بعد قطع منازل درین همایون روز
عنان کشیده به خم غدیر، ساخت مقام
رسول شد ز خدا، زی رسول، روح القدس
که‌ای رسول به حق، حق تو را رساند سلام
که‌ای به خلق من از من خلیفه ی منصوب
بکوش کامد نصب خلیفه را هنگام
ازین زیاده منه آفتاب را به کسوف
ازین زیاده منه ماهتاب را به غمام
بساخت سید دین منبر از جهاز شتر
که تا پدید کند هر چه شد به او الهام
بر آن بر آمد و اسرار حق هویدا ساخت
بلند کرد علی را بدین بلند کلام
که من نبی شمایم، علی امام شماست

زدند نعره که « نعم النبی نعم الامام»
تبارک الله ازین رتبه کز شرافت آن
مدام آب درآید به دیده اوهام
گر او نه حامی شرع نبی شدی به سنان
ور او نه هادی دین خدا شدی به حسام...

غدیر، عیدانه شیعه

عیدانه بودن غدیریه‌ها ویژگی مشترک شعر از دوره صفوی تا دهه‌های اخیر است. فیض کاشانی، حزین لاهیجی، فیاض کاشانی، سروش اصفهانی، جیحون یزدی، قآنی شیرازی، میرزا حبیب خراسانی، ملک‌الشعراى بهار و... بر همین منوال غدیریه ساخته‌اند؛ غدیریه‌هایی که در « توصیف» زیبای غدیر جهدی بلیغ داشته‌اند.

از مشروطیت به تدریج تعبیر استعاره‌ای دیگری به فضای غدیریه‌ها وارد شد. تالیف ارجمند علامه امینی، کتاب «الغدیر» و اندیشه‌های نوی متفکرانی چون دکتر شریعتی، استاد مطهری و استاد محمدرضا حکیمی از سویی و وقوع انقلاب اسلامی از دیگر سو، رویکردهای دیگری را که متوجه ارزش‌های فرهنگی واقعه غدیر است به درون غدیریه‌ها تزریق کرد. رجوع به واژه «غدیر» به جای توجه به واژه «خم» فضاهای دیگری را به غدیریه‌ها بخشیده است.

اکنون بسامد ردیف «غدیر» راه را برای «تحلیل» و «تفسیر» این واقعه سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام هموار کرده است. قصیده «غدیر، امام آب‌ها» ی یوسفعلی میرشکاک که پیشانی نوشتش «با یاد مجاهد بزرگ علامه امینی» است یکی از بهترین نمونه‌های غدیریه‌های سال‌های اخیر است؛ شعری که با وصف غدیر، در واقع به تعریفی زیباشناسانه از هویت شیعی می‌رسد. میرشکاک با غدیر، تاریخ اسلام را تفسیر می‌کند. این شعر که در اواخر دهه 60 سروده شده، هنوز یکی از باطراوت‌ترین غدیریه‌های روزگار است.